

- صاحب امتیاز:**
- موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تأمین اجتماعی)
- سردبیر:** زیر نظر شورای سردبیری
- صفحه آرا:** محمدرضا لری چی
- عکس:** پرتو جغتایی
- ویراستار:** کوروش اشرفی
- حروفچین:** اکرم خاکپور
- نشانی:** میدان آرژانتین، خیابان احمد صمیر خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن:** ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریر به:** داخلی ۱۳۸
- بازگانی:** داخلی ۱۲۲

www.atiyeno.ir

کتاب  
B 0 0 K

نگاهی به کتاب «نگاهبان او»

### شکندنگی عشق

کتاب «نگاهبان او» (Jean-elle)، اثر ژان پاپتیست آندره (Baptiste Andrea)، نویسنده و کارگردان ۵۴سالهٔ فرانسوی و برندهٔ جایزهٔ گنکور در سال ۲۰۲۳، یک حماسهٔ رمانتیک و فراموش‌نشدنی است که در بستر تاریخ پرتلاطم ایتالیای قرن بیستم روایت می‌شود. داستان در ایتالیای فاشیستی آغاز می‌شود و روایت گر دوستی و عشقی عمیق میان دو شخصیت است که از دو دنیای کاملاً متفاوت می‌آیند. نگاهبان او چکامه‌ای بلند در ستایش آفرینش هنری و شورش در گرماگرم جنگ و تغییرات اجتماعی است و با صحنه‌ای قدرتمند در یک صومعه در سال ۱۹۸۶ آغاز می‌شود؛ «سی‌ودو نفرند؛ سی‌ودو نفر که هنوز در این روز پاییزی سال ۱۹۸۶ در صومعه منزل دارند؛ در انتهای جاده‌ای که رنگ می‌پراند از رخ هر که در آن گام می‌نهد. هیچ چیز در درازنای هزار سال تغییر نکرده است... چند ساعت دیگر یک تن از آنان کم خواهد شد.» مردی هشتادودوساله‌در بستر مرگ است؛ مردی که چهل سال گذشته را در آن جازندگی کرده بدون آن که سوگندی یاد کرده باشد. راهبان صومعه دربارهٔ هویت و گذشتهٔ رموز او گمانه‌زنی می‌کنند: آیا او یک جانی است یا یک پناهندهٔ سیاسی؟ اما محبوب‌ترین نظریه این است که او آن‌جاست تا «نگاهبان او» باشد؛ زنی که در شبی مرمرین در همان نزدیکی چشم‌پراه است. این مقدمهٔ رازآلود، خواننده را به دل داستانی می‌برد که در گذشته جریان دارد و سرگذشت این مرد و آن زن را بازگو می‌کند. آندره‌آبا نثری غنی و دقیق، فضایی می‌سازد که هم شکندنگی عشق را نشان می‌دهد و هم قدرت بی‌انتهای هنر را.

نگاهبان او اثری است که یادآوری می‌کند برخی داستان‌ها هرگز به پایان نمی‌رسند؛ «... و بعد محبوب‌ترین و پنهانی‌ترین تعبیر - چرا که رمانسیسم این‌جا تنها قاجاقی می‌تواند به درون راه یابد- از این قرار است: او این‌جاست که نگاهبان او باشد، همو که در شب مرمرینش در چند صدمتری اتاقک انتظار می‌کشد، او که چهل سال است بردبارانه چشم به راه است.»

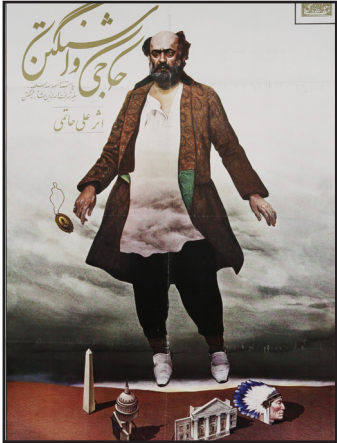
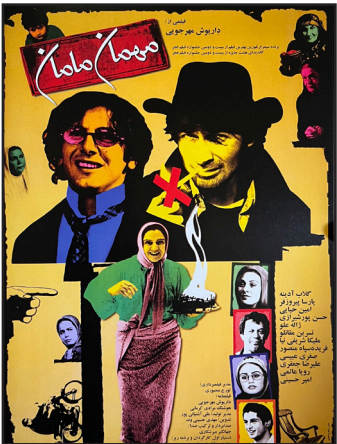


«نگاهبان او»

نوشتهٔ ژان پاپتیست آندره  
ترجمهٔ آسوله مرادی • انتشارات نیلوفر  
۴۰۴ • ۴۸۸ صفحه • ۴۸۵ هزار تومان

# دو قران برای علاءالدوله

نگاهی به سیر تحول و تطور پوسترهای فیلم به‌بهانهٔ روز ملی سینما



**خورشید آزادی**  
طراح گرافیک

برای نوشتن از پوسترهای سینمای ایران به کتاب مرجعی نیاز داشتیم که ظاهراً نایاب شده است؛ «صدسال اعلان و پوستر فیلم در ایران» اثر زنده‌یاد مسعود مهرابی. کتاب را به‌سختی به دست آوردم و با حسی که انگار غنیمی ارزشمند به دستم رسیده از دست پیک نگرفته شروع به ورق زدن کردم. کتاب از اعلامیه‌های متنی شروع می‌شود و کم‌کم تصویر کنار واژه‌ها می‌نشیند. خیابان علاءالدوله (فردوسی فعلی)، عکاس‌خانه روسی خان، مقابل خانهٔ امیرنظام. بلیت‌های واردین دو قران و سه قران است. این نشانی نخستین آگهی نمایش فیلم در مطبوعات ایران در مهر ۱۲۸۶ است. دختر لر به سال ۱۳۱۲ اولین پوستر رنگی سینمای ایران است که از تصویر و متن در کنار هم استفاده شده و روح انگیز سامی نژاد، اولین زن بازیگر ایرانی، حالا روی پوستر ایستاده است. از اواخر دههٔ بیست پوسترها شناسنامه‌دار می‌شوند و نام

کارگردان و بازیگران در کنار نقاشی‌هایی که شبیه پردهٔ نقالی‌اند. این سبک از طراحی که به‌ظاهر به مذاق تهیه‌کننده و بازار خوشایند بود تا اواخر دههٔ شصت هم چنان دیده می‌شود. اما برای من قسمتی از این تاریخ‌چه جذاب است که هیچ‌گاه تکرار نشد. اواخر دههٔ چهل و اوایل دههٔ پنجاه نسلی در گرافیک پوستر فیلم‌های ایران، ساختار شکنانه پا به میدان می‌گذارد که حالا ما شاهد پوسترهایی هستیم که به متن، تصویر و ایده‌پردازی به یک اندازه اهمیت می‌دهند؛ نسلی که حتی در قطع متداول پوسترها دست می‌برند. رنگ‌ها و قرارگیری متن در کنار تصویر جسورانه است. جدا از نگاه به بازار به مفهوم مستقل پوستر اهمیت می‌دهند. برای هر فیلم لوگو تاپم مشخص طراحی می‌شود و از فرم به ماهیت پوستر هویت می‌بخشد. برجسته‌ترین طراحان این نسل تکرارنشدنی مرتضی ممیز، فرشید مثقالی، قباد شیوا، عباس کیارستمی، ابراهیم حقیقی و آیدین آغداشلو بودند. اولین پوسترکی که میخ‌کوبم می‌کند، پوستر فیلم «گاو» داریوش مهرجویی، اثر فرشید مثقالی

است. از نقاشی‌های پررنگ و لعاب‌خبری نیست. کادر کشیده و عمودی با حاشیهٔ زرد خالص، لوگو تاپم گاو به رنگ آبی، شناسنامهٔ عوامل در یک‌سوم بالایی فرم اصلی پوستر و تکرار تصویر عزت‌الله انتظامی که در انتها با سر یک گاو ترکیب می‌شود. وحدت متن، سکوت‌های حساب‌شدهٔ سفید، انتخاب رنگ جسورانه و فونت متفاوت، دنیای جدیدی از دریچهٔ نگاه نسل نو نشان می‌دهد. از دههٔ شصت به بعد، شاهد موج جدیدی از طراحی در پوستر هستیم. تهیه‌کننده نقش مهمی در تعیین زیبایی‌شناسی عمومی پیدا می‌کند. برای هر فیلم اغلب دو پوستر طراحی می‌شود؛ یکی برای بازار و دیگری شاید کمی مفهومی؛ سینما به عنوان صنعتی دیده‌می‌شود که مسئولیت فروش فیلم سطح پایین بر گردن طراح پوستر می‌افتد. پوستر را نجات‌دهندهٔ گیشه می‌دانند، اما بدون اعتماد به تخصص طراح پوستر. این اتفاق با ظهور فتوشاپ و ورود ابزار فنی به‌طور کلی دست هنرمند را برای همیشه بسته نگه داشت. جذابیت‌های این ابزار، زیبایی‌شناسی را تغییر داد. با وجود ابزار پیش‌تر،

فونت‌ها دفرمه و بدسیلیقه و محدود استفاده شد. تصاویر سوپر استارها در بزرگ‌ترین حالت خود روی صفحهٔ پوستر خودنمایی می‌کرد و خبری از ترکیب‌بندی، ایده‌پردازی و تکنیک با وجود وجود ابزارها نبود! نسل پوسترهای «کله‌ای» از دههٔ هشتاد تا همین امروز، سینمای ایران شاهد نسلی از طراحان بود که برای یک‌بار هم قلم به دست نگرفته بود و شناختی از آناتومی و طراحی دستی نداشت. مبانی عملی بدون حضور کامپیوترها را نگذرانده بود و شناختی از بافت و چاپ و ترام نداشت. در نتیجه شاهد نسل جدیدی از طراحی پوستر در سینما هستیم که به لطف سلیقهٔ تحمیلی اکثر تهیه‌کننده‌ها، طراحان محدودی که این بخش از گرافیک رادر دست دارند تلاشی برای نوآوری و ساختار شکنی نمی‌کنند و به‌طور کلی ایده‌پردازی و طراحی جسورانه دیگر نقشی در پوسترها ندارد. و هزار افسوس اگر دیگر نسلی چون ممیز و شیوا و مثقالی و کیارستمی هیچ‌وقت پا به این میدان نگذارند و سلیقهٔ درست را به گیشهٔ سینما هدیه ندهند.

**یادی از «هوشمند عقیلی» که در ۸۸ سالگی درگذشت**

**خوانندهٔ کوچه**

«هوشمند عقیلی»، در غربت غرب، چهاردهم شهریور در ۸۸ سالگی درگذشت. او از ۱۳ سالگی، آموزش ردیف‌های آوازی موسیقی اصیل ایرانی را نزد بزرگانی چون جلال‌الدین تاج‌اصفهانی آغاز کرد. پس از آن، برای تکمیل آموخته‌هایش، از محضر استادانی مانند محمود کریمی (در ادامهٔ ردیف‌های آوازی) و اسماعیل مهرتاش (بنیان‌گذار جامعهٔ باربد) بهره برد. عقیلی فعالیت حرفه‌ای خود را از دهه‌های سی و چهل آغاز کرد. نخستین اثر ضبط‌شدهٔ او، «ساقی‌نامه» با تنظیم اسماعیل مهرتاش بود که راه را برای حضورش در رادیو ایران باز کرد. صدای او که ترکیبی کم‌نظیر از حزن عمیق، رسایی و توانایی فوق‌العاده در اجرای تحریرهای ظریف بود، به‌سرعت او را به چهره‌ای محبوب و متمایز در میان مردم ایران تبدیل کرد. بی‌شک مشهورترین و شنیده‌شده‌ترین خواننده‌اش، «فردا تو می‌آیی» با شعر و آهنگ‌سازی جهان‌بخش پازوکی بود، اثری که وقتی اول‌بار از تلویزیون پخش شد، ساواک پازوکی را خواست و به‌ناچار برخی ابیات آن تغییر کرد.

**نمایش «من»**  
نویسنده و کارگردان: مصطفی هراتینی • تهیه‌کننده: علیرضا بایسته • بازیگران: ایمان صیادبرهانی و سپندار اعلم  
۲۰۰ مرداد تا ۲۲ شهریور ۱۴۰۴ • تماشاخانهٔ کاخ هنر • ۸۵ دقیقه

## دربارهٔ نمایش «من» ساختهٔ مصطفی هراتینی

## ملولم و انسانم آرزوست...

«من» داستان درگیری درونی انسان مدرن است. انسانی که حالا منزوی شده‌در پی یافتن خود است. برای همین هم هست که موجودی به نام «من من» را ساخته و پرداخته است. انسان انزواگرن شده‌ای که گرفتار در ملالت زندگی شده و در پی انتزاعی‌شدن عرصه‌های مختلف اجتماع انسانی و فرگیری انزوای ناگزیر و خودخواستهٔ سوژهٔ مدرن بشری، می‌خواهد تا به درون خویشتن خویش پناه برده‌و از مواجهه با دیگران اجتناب کند تا از مخصصهٔ بحران هویت‌رهایی یابد. به‌همین دلیل هم تصمیم می‌گیرد خودش را صدا کند، برای آغاز یک زندگی تماماً مشترک که از هر لحاظ یعنی ظاهر، کردار، اخلاق، تفکر و حتی جزئی‌ترین کنش‌ها و اعمال‌شان شبیه

نمایش «من» روایت همین درونیت است که هم منظری فلسفی دارد و هم روان‌کاوانه. اجرایی که خودتنها‌انگاری‌اش بیش از آن که ناظر به امر هستی‌شناسی اجتماعی و تأثیر مؤلفه‌ها و عناصری چون سیاست، دین، جنسیت، طبقه، الهیات، اخلاق، تاریخ و جغرافیا باشد، حول روان‌شناختی

و فلسفه می‌چرخد. نمایش «من» افزون‌بر نمایش‌نامهٔ فوق‌العاده‌ای که دارد، از بازی‌های درخشانی هم بهره می‌برد و گویا شش‌ماه تمرین صرف دیالوگ‌ها، حرکت‌ها و رقص‌های مشترک و هم‌زمان «من» و «من من» شده است تا چنین از آب درآمده است.

**نمایشگاه**  
G A L L E R Y

**صدف سرداری**  
روزنامه‌نگار

دربارهٔ نمایشگاه «به گزارش زنان» در موزهٔ هنرهای معاصر تهران

**زنان در میانهٔ روایت‌گری**

طبق گذر زمان طولانی لازم بود تا زنان ایرانی از سوژه‌هایی برای خلق آثار تجسمی به خالق آثار تبدیل شوند. این تحول نقش زنان در جامعه را می‌توان به‌مثابهٔ نشانه‌ای بارز از گذر فرهنگ از سنت به مدرنیته دانست؛ گذری که هنر یکی از مهم‌ترین ابزارهای روایت و نقد آن بوده است. نام برخی از این زنان شنیده و ثبت شد و برخی دیگر هم ناشنیده باقی ماند. اما موزهٔ هنرهای معاصر در تازه‌ترین نمایشگاه خود با عنوان «به گزارش زنان» سعی کرده این بار علاوه‌بر نمایش آثاری از زنان نوگرا که در گنجینهٔ خود نگه می‌دارد، سراغ غایبان گنجینه هم برود؛ ۱۲۵ اثر از ۶۵ هنرمند زن از گنجینهٔ موزهٔ هنرهای معاصر تهران حالا روی دیوارها رفته و آثار خارج از گنجینه هم در خانهٔ هنرمندان و سایر گالری‌ها به نمایش گذاشته شده است.

پس از استقبال وصف‌های طولانی برای «چشم‌در چشم» و «اپیکاسور در تهران»، موزهٔ هنرهای معاصر این بار با «به گزارش زنان»، روایت‌گر کنش‌گری و نقش فعال زنان هنرمند در شکل‌دادن به زبان بصری و فرهنگی معاصر شده است؛ نمایشگاهی که «افسانه کامران»، «توکا ملکی» و «سجاد باغبان‌ماهر» افرادی هستند که تیم کیورتوری نمایشگاه را تشکیل می‌دهند، بخش اول آن عصر چهارشنبه، یکم مرداد، در خود موزه و بخش دوم آن در روز دوم مرداد با آثاری از هنرمندان نگارگر، پاپ‌آرتیست، سرامیست و نقاش در گالری‌های خانه هنرمندان ایران افتتاح شد و تا پایان شهریور ادامه دارد.

نمایشگاه «به گزارش زنان» تصویری تازه و متفاوت از زنان هنرمند نوگرای ایرانی ارائه می‌دهد. در این فضا، زنان دیگر فقط سوژه نیستند، بلکه خالقانی فعال و صاحب روایت‌هایی شخصی و تاریخی‌اند که جایگاه‌زن رادر هنر و جامعه‌با تعریف می‌کنند. این نمایشگاه فراتر از تصاویر کلیشه‌ای، داستان واقعی زندگی و تجربهٔ زنان را به مخاطب منتقل می‌کند.

موزهٔ هنرهای معاصر در هشت بخش سراغ آثار این زنان رفته است؛ بخش اول ادای احترامی است به هنرمندانی که این مسیر را شکل دادند. سایر بخش‌ها شامل پرتره، طبیعت و منظره‌نگاری، نوسنت‌گرایی، زندگی روزمره از نگاه نقاشان، انتزاع، «گروه دنا» به‌عنوان تنها گروه زنان نقاش که در دههٔ هشتاد فعالیت داشتند و موضوعات اجتماعی است.

شرایط اجتماعی و سیاسی ایران همواره به‌طریقی بوده که در طول تاریخ زنان فرصت‌های برابری نسبت به مردان نداشته‌اند، چه در حوزهٔ آموزش و چه در فعالیت حرفه‌ای و تجربهٔ زیسته‌شان، و در تاریخ هنر زنان به‌عنوان سوژه‌ها عموماً توسط نقاشان مرد کشیده می‌شدند. افسانه کامران در این باره توضیح می‌دهد: «اختصاص چنین نمایشگاهی به زنان فرصتی را فراهم می‌کند تا ببینیم زنان هنرمند نسبت به مردان چه سیری را طی کردند و با چه چالش‌هایی مواجه بودند. بسیاری از اسامی رامی‌بینیم که خیلی از نقاشان و هنرمندان هم تا حال نام آنان را شنیده‌اند، درحالی‌که به‌لحاظ تکنیک و سبک بسیار پیشرو و خلاق بوده‌اند.» او معتقد است چرایی این موضوع و غیاب‌های معنادار می‌تواند زمینه‌ای را برای مطالعات انتقادی درباره هنر زنان شکل دهد.

او دربارهٔ آثار حاضر در موزه هنرهای معاصر می‌گوید نقاشی آثار زنان هنرمند نوگرا بیشتر به‌سمت انتزاع متمایل است و نه به‌سمت نقاشی فیگوراتیو: «نگاه آنان بیشتر فرمی بوده. اما امروزه هم انتزاع و هم سبک هنرمندان جدید متفاوت شده و زنان بیشتر به‌سمت هنر فیگوراتیو تمایل دارند و موضوعات زندگی روزمره و اجتماعی و فضاهای شهری بیش‌تر دغدغه‌شان است. هم‌چنین، نگاهشان به بدن در آثارشان بیشتر است؛ اما در گذشته کم‌تر بود.» به این ترتیب نمایشگاه «به گزارش زنان» فراتر از گردآوری آثار هنری، حکم‌یک‌موضع‌گیری فرهنگی و اجتماعی را دارد که جایگاه زنان در هنر معاصر ایران را بازتعریف می‌کند. زن در این نمایشگاه دیگر کناره‌نشین نیست، بلکه در میانهٔ روایت‌گری در حال تعریف نقش خود به‌شکلی دیگر است.